

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره پنجم - مرداد ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۱

سبک‌شناسی واژه‌های مجموعه شعرهای شاعران فارسی‌سرای مازندران از
سال (۱۳۵۷) تا پایان سال (۱۳۹۷) با رویکرد لایه‌ای
(ص ۴۵-۲۳)

عبدالرضا شیردست^۲، غلامرضا پیروز^۳ (نویسنده مسئول)، علی اکبر باقری^۴،

حسین حسن‌پور آلاشتی^۵

تاریخ دریافت مقاله: پائیز ۱۳۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: پائیز ۱۳۹۸

چکیده

سبک‌شناسی لایه‌ای یکی از روش‌های نوین سبک‌شناسی است که با تجزیه تحلیل ویژگی‌های سبکی متن، چگونگی شکل‌گیری مفاهیم را در زبان مورد بررسی قرار می‌دهد. بخش عمده‌ای از سرشت یک سبک را نوع‌گزینش واژه‌ها می‌سازد و عناصر واژه یکی از شاخصه‌های بنیادین بافت شعر به شمار می‌رود. پژوهش حاضر سبک‌شناسی واژه‌دفته‌های شعر بیست شاعر برجسته فارسی‌سرای مازندران از سال (۱۳۵۷) تا پایان سال (۱۳۹۷) با رویکرد لایه‌ای است و نویسندگان درصددند جایگاه شاعران مازندران در پیکره شعر معاصر و میزان توفیق و عدم توفیق آنان را در کاربست مقولۀ واژه‌ها مشخص نمایند. به همین روی تلاش گردید تا بیست‌و‌دو عنصر سبکی که در گزینش واژه نقش دارد، از تمام گرایشهای سبکی، قالبها و ژانرهای موجود در شعر استان که به نوعی وضعیت شعر چهار دهه است، تبیین و تحلیل شود. یافته‌های این پژوهش با توجه به تحلیل داده‌های آماری نشان می‌دهد که در سروده‌های شاعران مازندران واژه‌های ذهنی (انتزاعی)، عام، بی‌نشان، عامیانه، فاخر، رسمی رایج فارسی معیار، متضاد و پارادوکسیکال، بومی و اقلیمی، رنگ واژه، موتیف، ترکیبهای نو (ابداعی) و رمزگان غنایی بسامد و برجستگی دارد اما برخی از صورتهای واژه همچون غیربهداشتی، بیگانه و نشاندار پرتکرار نیست. روش پژوهش تلفیقی از نوع کمی و کیفی و تحلیل محتوا با استفاده از منابع اسنادی و سایت‌های معتبر اینترنتی است.

واژگان کلیدی: شاعران مازندران، شعر معاصر، سبک‌شناسی لایه‌ای، مقوله‌های واژه.

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- دانشجوی دکتری دانشگاه مازندران (a.shirdast@yahoo.com)

۳- دانشیار دانشگاه مازندران ((Pirouz_40@yahoo.com) (pirouz@umz.ac.ir)

۴- عضو هیات علمی و استاد دانشگاه مازندران (aabagheri@umz.ac.com)

۵- عضو هیات علمی و دانشیار دانشگاه مازندران (alashty@gmail.com)

Lexical stylistics of poetry books of Persian-composing poets of Mazandaran province from ۱۹۷۴ to the end of ۲۰۱۸: A layer perspective

Abdol reza Shirdast^۱, Golam reza Pirouz^۲ (corresponding Author),
Aliakbar Bagheri^۳, Hossien Hasanpoor Alashty^۴

Abstract

Layer stylistics is one of the new stylistic methods that studies how concepts are formed in a language through analysis of the text's stylistic features. Part of the features of a text is determined by the kind of the selection of the lexicon and lexical elements are regarded as one of the basic features of poem's texture. The present study is about the lexical stylistics of poetry books of twenty brilliant Persian-composing poets of Mazandaran province from ۱۹۷۴ to the end of ۲۰۱۸ with a layer perspective. It attempts to analyze twenty two lexical issues from all of the existing stylistic schools, frameworks and genres in the poetry works of the province which somehow reflect the status of poetry in the last four decades. In this study the authors intend to specify the status of Mazandarani poets in contemporary poetry and show how successful they were in the application of lexical issues. Findings with respect to statistical analysis of the data showed that in the poems of Mazandarn's poets lexicons that are abstract, general, non-identified, colloquial, elegant, formal, paradoxical, local, color-based, motif, innovative, mysterious, and lyric are significantly used. Research methodology used in this study is a mixed method (qualitative and quantitative) using reference documents and reliable Internet sites.

Keywords: Mazandarani poets, stylistics, layer stylistics, lexical issues

^۱- Ph.D. students at University of Mazandaran

(a.shirdast^{۱۵}@yahoo.com)

^۲- Faculty member and associate professor of University of Mazandaran:

(Pirouz_۴۰@yahoo.com)

^۳- Faculty member and professor of University of Mazandaran.

(aabagheri@umz.ac.com)

^۴- Faculty member and associate professor of University of Mazandaran.

(alashty@gmail.com)

۱- مقدمه

پژوهش حاضر واکاوی بافت واژه‌های مجموعه سروده‌های شاعران فارسی‌سرای مازندران از سال (۱۳۵۷) تا پایان سال (۱۳۹۷) با راهبردهای سبک‌شناسی لایه‌ای است و در آن تلاش گردید تا از تمام گرایشهای سبکی و ژانرهای موجود در شعراستان که به نوعی وضعیت شعر چهار دهه است، تبیین شود. لیچ و شورت در تعریف سبک گفتند: سبک «اسلوبی برای کاربرد زبان در بافتی مفروض، توسط فردی مفروض، با هدفی مفروض است» (فرهنگ سبک‌شناسی، نینا نورگارد و همکاران: ص ۱۲۹). در این نگاه سبک به شیوه خاصی از مولف محدود نیست، بلکه میتوان صورت ویژه‌ای از گفتار و نوشتار دانست. با توجه به اینکه در نظر است مجموعه‌های شعر شاعران مازندران در لایه واژه‌ها تبیین و تحلیل شود، پرسش اساسی این است که برجسته‌ترین مولفه‌های واژه‌ها و مهمترین عناصر سبک‌ساز در سروده‌های شاعران مازندران کدامند؟ حدود پژوهش بیست شاعر مازندران از گلوگاه تا رامسر و مجموعه شعرهای چاپ شده آنان از سال پنجاه و هفت تا نود و هفت است. روش پژوهش در این نویسه تلفیقی از نوع کمی و کیفی و تحلیل محتوا با استفاده از منابع اسنادی و سایتهای معتبر اینترنتی است.

پیرامون مولفه‌های سبکی سروده‌های تمام شاعران مازندران تاکنون پژوهشی جدی صورت نگرفته است اما تعدادی از نویسندگان در حوزه شعر و ادب معاصر و مازندران به تحقیق پرداختند و در نویسه‌های پژوهشی خود به بررسی یک یا تنی چند از شاعران مازندران اختصاص دادند. اهم این پژوهشها عبارت است از: «پژوهشی در زندگی و شعر سلمان هراتی» (آشنای شالیزار) از مهدی خادمی کولایی چاپ (۱۳۸۵) نشر شلفین ساری. فصل دوم کتاب نقد و بررسی شعر و اندیشه سلمان در محورهای زبان، ادبیت و معنا است. «سبوی سخن» از ایرج اصغری، چاپ (۱۳۹۰) نشر رسانش. نویسنده دویست و نود شاعر فارسی‌سرا را، از عهد قدیم مازندران تا زمان نشر کتاب، معرفی کرده است. توضیح مختصر و کوتاه پیرامون سبک شاعر از ویژگیهای برجسته کتاب است. «گزیده شعر/ امروز شمال» به کوشش اسدالله عمادی، هوشنگ عباسی و علیرضا ابن قاسم، چاپ (۱۳۹۶) انتشارات روزآمد. کتاب را سه شاعر و پژوهشگر از سه استان شمالی کشور جمع آوری نمودند. بخش اول کتاب اختصاص به شاعر مازندران دارد که نویسندگان در آن اسامی سی شاعر مازندران را آورده است. نویسندگان نخست مختصری از زندگی هر شاعر گزارش دادند، سپس نقد و نظر کوتاهی در رابطه با بعضی از مختصات زبانی، ادبی و فکری شاعر آوردند. «پولکهای سپید» تالیف رجب بذرافشان و جواد اکبری سال (۱۳۹۶) در انتشارات اردبیل چاپ شده است. نویسندگان پس از تبیین گرایشهای سبکی، ژانرها و جریانهای موجود در شعراستان مازندران مباحثی پیرامون برخی از شاخصه‌های سبکی شاعران

مازندران آوردند. «روش و متدولوژی روایتگری (شعردهه هشتاد)» از رجب بذر افشان (۱۳۹۷) در تهران نشر سولار چاپ شده است. موضوع کتاب نقد و نظر پیرامون شعر دهه هشتاد شاعران مازندران و نیم نگاهی هم به مقوله‌های سبکی شعر پیش از هشتاد است.

۲- مقوله‌های سبک

بعد از واج و تکواژ که به ترتیب کوچکترین واحد زبانی، واژه‌ها قرار می‌گیرند. واژه‌ها واحد معنا داری هستند که برای انتقال مفاهیم در زنجیره گفتار به کار می‌روند. «واژه قادر است کوچکترین و ناپایدارترین مراحل گذر را در دگرگونیهای اجتماعی ثبت کند» (سودای مکالمه، خنده، آزادی، باختین، ص: ۹۷). منتقدان براین عقیده اند که مهمترین کار سبک‌شناس بررسی واژه‌های متن است. «بسیاری سبک را هنر واژه‌گزینی میدانند. بخش عمده از سرشت سبک را نوع گزینش واژه‌ها می‌سازد. واژه‌ها ایستا و منجمد نیستند. بلکه جان دار و پویا هستند، تاریخ و زندگی نامه دارند، حتی شخصیت و شناسنامه و بار عاطفی و فرهنگی دارند، برخی ثابت و انعطاف پذیرند و برخی در اثر فشار بافتهای مختلف تغییر شکل و معنا میدهند و جدال و انگیزشی مدام برای تخیل نویسنده ایجاد میکنند» (سبک‌شناسی، فتوحی، ص: ۲۴۹). سبک‌شناسی واژه‌ها در شعر یک دوره، هم مهم و هم دشوار است، زیرا بسامد بالای برخی از واژه‌ها مبین پشتوانه فرهنگی و رویکرد ویژه ایدئولوژیک شاعران آن دوره است. امروزه در پژوهشهای سبک‌شناسی متون را در چهار الی پنج لایه بررسی میکنند که به آن سبک‌شناسی لایه‌ای مینامند. دراین جستار نویسندگان اختصاصا به لایه واژه‌ها پرداختند. در پژوهش حاضر بیست و دو مقوله واژه، در سروده‌های فارسی، بیست شاعر مازندرانی از حیث عینیت (حسی)، ذهنیت (انتزاعی)، همپیوندی عینیت و ذهنیت، عموم، خصوص، نشاندار، بی‌نشان، عامیانه، فاخر، رسمی رایج فارسی معیار، گفتاری، کهن- گرای (ارکائیسیم)، غیر فارسی (انگلیسی)، متضاد و پارادوکسیکال، بومی و اقلیمی، رنگ واژه، موتیف، غیربهداشتی (غیر اخلاقی)، ترکیب‌های نو یا ابداعی، رمزگان مذهبی، رمزگان جنگ و رمزگان غنایی سبک پژوهی شده است.

۳- معرفی شاعران مازندران^۱

در این قسمت پیش از ورود به بحث و بررسی واژه‌ها، شاعران فارسی سرای مازندران را هرچند کوتاه به ترتیب حروف الفبا معرفی میکنیم. ۱. محمود احمدی کمرپشتی (۱۳۴۵) کارشناس ارشد، دبیر ادبیات و ساکن قائم‌شهر است. وی شاعر سنتی است و در عمده قالبهای شعرپارسی از دوبیتی، رباعی، قصیده، مثنوی و... شعر دارد و صاحب چهار

۱- اسامی دفترهای شعر همه شاعران در منابع آمده است.

مجموعه شعر است. ۲. **نرگس الیکایی لاشکی** (۱۳۳۹) در لاشک کجور چالوس به دنیا آمد، دیپلم اقتصاد و ساکن تهران است. وی در قالب منثور شعر میگوید و نوع سروده‌هایش عمدتاً به گفتاری آسان‌یاب نزدیک است. از این شاعر تاکنون ده مجموعه چاپ شده‌است و پنج مجموعه در دست چاپ دارد. ۳. **رجب بذر افشان** (۱۳۳۴) شاعر و منتقد ادبی متولد ساری و کارمند بازنشسته ارتش است. وی در دو شیوه کلاسیک و منثور شعر میگوید. شاعر تاکنون سه مجموعه چاپ نموده‌است و آثار تحقیقی نیز دارد. ۴. **بهمن بزرگی نوشهری** (بزرگی کیاده) (۱۳۱۵) در چالوس به دنیا آمد و ساکن تهران است. وی دیپلم ادبیات دارد و در عمده قالبهای کلاسیک و نو شعر سروده‌است. شانزده مجموعه چاپ کرده که (۱۳۸۸) با عنوان پرنیان (دیوان کامل بزرگی) در (۱۰۶۰) صفحه یکجا چاپ کرده‌است. ۵. **سیامک بهرام پرور** (۱۳۵۵) پزشک، شاعر منتقد و ساکن آمل است. وی از غزل سرایان مدرن امروز است و از حیث قالب و فرم نوآوری‌هایی در غزل دارد. وی سه مجموعه غزل دارد و علاوه بر این پنج اثر در نقد و بررسی شعر و داستان نوشته‌است. **غلامرضا پیروز** متولد (۱۳۴۰) شاعر، منتقد و عضو هیات علمی ادبیات دانشگاه مازندران در آمل به دنیا آمده‌است. پیروز دو دوره ریاست دانشکده ادبیات دانشگاه مازندران را به عهده داشته‌است. وی شاعر غزل است و سروده‌هایی در قالب منثور و ژانر کودک نیز دارد. پیروز سه مجموعه چاپ نموده‌است. علاوه بر این شاعر دو اثر تحقیقی و بیست و پنج مقاله علمی-پژوهشی دارد. ۷. **مهدی خبازی کناری** (۱۳۵۱) متولد فریدونکنار و ساکن بابل‌سر، دکترای فلسفه غرب و عضو هیات علمی دانشگاه مازندران است. وی شاعر پست مدرن بوده و تاکنون دو مجموعه چاپ نموده‌است. علاوه بر این شاعر پنج اثر تحقیقی در فلسفه و چندین مقاله علمی پژوهشی دارد. ۸. **منصور جعفری خورشیدی** (۱۳۹۷-۱۳۲۹) در بهشهر متولد شد. وی لیسانس ادبیات و شاعر حجم است و چهار مجموعه شعر چاپ نموده‌است. جعفری خورشیدی علاوه بر شاعری چندین مقاله تحقیقی در حوزه نقد شعر در نشریات داخل و خاج کشور دارد. ۹. **محمود جوادیان کوتنایی** (۱۳۳۲) ساکن قائم شهر، دانشجوی دکتری، داستان نویس و محقق و دبیر بازنشسته آموزش و پرورش است. وی تا کنون چهار مجموعه به شیوه منثور و نیمایی چاپ نموده و علاوه بر این چندین مقاله و سه اثر پژوهشی نیز دارد. ۱۰. **فرامرز سلیمانی** (۱۳۹۴-۱۳۱۹) پزشک متخصص، شاعر، منتقد، مترجم در ساری متولد شد. این شاعر بیش از شصت کتاب و صد مقاله به زبان فارسی، انگلیسی و دیگر زبان‌ها نوشته‌است. وی بنیانگذار یک خیزش ادبی در شعر معاصر ایران بود که به جریان «موج سوم» شهرت پیدا کرد و هفت مجموعه شعر به شیوه منثور چاپ کرده‌است. ۱۱. **فرهاد صابر** (۱۳۳۷) شاعر و منتقد متولد آمل، کارشناس ارشد ادبیات

فارسی و دبیر بازنشسته‌است. وی به دو شیوه سنتی (غزل) و منثور شعر میسراید و تاکنون دو مجموعه شعر چاپ نموده‌است. ۱۲. **اسدالله عمادی** (۱۳۳۱) داستان نویس، شاعر، پژوهشگر، دبیر بازنشسته، در دو دانگه‌ی ساری به دنیا آمد. وی به دو زبان فارسی و مازندرانی شعر سروده و پنج مجموعه به زبان فارسی چاپ نموده‌است. عمده شعرهای وی در قالب منثور است. این شاعر علاوه بر شعر تاکنون چند کتاب در حوزه نقدشعر و داستان نوشته‌است. ۱۳. **جلیل قیصری** (۱۳۳۶) در کجور چالوس بدنیا آمد. وی کارشناس ارشد ادبیات و دبیر بازنشسته‌است. قیصری هشت مجموعه چاپ کرد که چهارده‌فتر به زبان مازندرانی و چهارمجموعه به زبان فارسی در قالب منثور است. وی مبدع شعر کوتاه مازندرانی به نام «اسا شعر» است. ۱۴. **شعبان کرم‌دخت** (۱۳۴۵) در بابل‌سر به دنیا آمد. وی کارشناس ارشد ادبیات و دبیر بازنشسته‌است. کرم‌دخت شاعر غزل است و تاکنون سه مجموعه چاپ کرده‌است. ۱۵. **تقی محمدی (سایر)** (۱۳۳۶) شاعر، مترجم، روزنامه‌نگار در گالشکلا از توابع بابل‌سر به دنیا آمد. محمدی لیسانس ادبیات است و از اوایل دهه هفتاد تاکنون در نشریه‌هایی چون: تکاپو، معیار، روزگار وصل، آدینه، دوران و روزنامه‌های «همشهری محلّه ما»، «خرداد»، «فتح»، «گزارش روز»، «هم میهن»، «کتاب هفته» و «ایران» قلم زد و هم اکنون عضو هیات تحریر روزنامه ایران است. وی دو مجموعه در قالب منثور چاپ نموده‌است. ۱۶. **احسان مهدیان** (۱۳۴۱) در ساری متولد شد. وی تاکنون شش مجموعه منثور چاپ نمود و مبدع قالب شعری جدید به نام «ارتعاش» است. ۱۷. **محمود معتقدی** (۱۳۲۵) شاعر، منتقد و نویسنده درآمل به دنیا آمد و هم اکنون ساکن تهران است. معتقدی فارغ التحصیل رشته تاریخ دانشگاه تربیت معلم تهران است و از (۱۳۵۳) در مرکز تحقیقات معاونت وزارت علوم به عنوان کارشناس کتابداری و مدیر اسناد ملی مشغول به کار شد. وی در قالب منثور و مینمال شعر میگوید و تاکنون نوزده مجموعه و یک گزیده اشعار چاپ نموده‌است. ۱۸. **علی اکبر مهجوریان نماری** (۱۳۹۶-۱۳۲۳) در روستای کوهستانی «نمار» آمل به دنیا آمد. وی ساکن آمل، کارمند بانک و از شاعران و پژوهشگران تلاشگر ادبیات بومی مازندران بود که شعر و شاعری را از (۱۳۴۰) با روزنامه‌ی محلی شروع کرد. مهجوریان هم به فارسی و هم به طبری شعر سرود، سروده-هایش (چهارمجموعه) عمدتاً به زبان فارسی در قالب منثور است. ۱۹. **سلیمان هراتی** (۱۳۳۸-۱۳۶۵) شاعر آیینی و جنگ در روستای «مرزدشت» تنکابن به دنیا آمد. وی فوق دیپلم رشته هنر بود و در آموزش و پرورش معلمی میکرد. وی دومجموعه در حوزه بزرگسال و یک مجموعه در ژانر کودک دارد. ۲۰. **تیرداد نصری** (۱۳۸۶-۱۳۳۱) شاعر و منتقدی که در تنکابن زندگی میکرد و در لندن وفات کرد. نصری دو مجموعه در قالب

منثور دارد که پس از مرگ او چاپ شد. وی در گارگاه شعر اسماعیل نوری علا در دههٔ چهل همیشه حاضر میشد. نوری علا در کتاب «صور و اسباب شعر نو» نصری را به عنوان یک شاعر آوانگارد «شعر منشور» معرفی کرده‌است.

۴- بحث و بررسی

در این بخش پیش از آغاز بحث، وجه غالب مولفه‌های واژه‌ها را با رسم سه جدول نشان می‌دهیم^۱ در این بخش تلاش شده‌ست علاوه بر تحلیل محتوا از حیث کمی (رسم جدول) میزان رویکرد شاعران به مقولهٔ واژه‌ها نشان داده‌شود. لازم به ذکر است که میزان درصدها و فراوانی جدول، بیست شاعر است.

جدول بیست و دو شاخصه واژگانی در دفترهای شعر بیست شاعر مازندرانی

ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
عنوان	عینیت	ذهنیت	همپونــــدی عینیت و ذهنیت	عموم	خصوص	بی- نشان	نشانداز
مجموع	۵	۸	۷	۱۴	۷	۱۵	۵
درصد	/.۲۵	/.۴۰	/.۳۵	/.۷۰	/.۳۵	/.۷۵	/.۲۵

ادامه‌ی جدول

ردیف	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
عنوان	عامیانه	فاخر	رسمی رایج فارسی معیار	گفتاری	کهن	انگلیسی	متضاد	بومی و اقلیمی
مجموع	۹	۹	۱۶	۴	۵	۴	۱۲	۱۲
درصد	۴۵	/.۴۵	/.۸۰	/.۲۰	/.۲۵	/.۲۰	/.۶۰	/.۶۰

ادامه جدول

ردیف	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲
عنوان	رنگواژه	موتیف	غیربهداشتی	ابداعی	رمزهای دینی	رمزهای جنگی	رمزهای غنایی
مجموع	۹	۱۸	۴	۱۸	۷	۴	۱۱
درصد	/.۴۵	/.۹۰	/.۲۰	/.۹۰	/.۳۵	/.۲۰	/.۵۵

۱- در جدول مذکور تعدادی از مولفه‌ها دو به دو مقابل هم قرار می‌گیرند مانند: «عینیت در برابر ذهنیت، عموم در برابر خصوص، نشانداز در برابر بی‌نشان و ...» در سبک پژوهی عده‌ای از شاعران به فرض از واژه‌های عینی سود می‌بردند در مقابل از واژه‌های ذهنی و انتزاعی سود نمی‌بردند، اما تعدادی دیگر از شاعران از همه دست واژه‌ها سود می‌بردند به همین روی تعداد مولفه‌ها با تعداد شاعران در بعضی از پارامترها به ظاهر شاید هماهنگ نباشد.

۴-۱- **واژه‌های عینی (حسی)**؛ واژه‌های عینی واژه‌هایی هستند که برای امور محسوس و عینی مصداق دارند. در ردیف شماره یک جدول در سروده پنج شاعر واژه‌های عینی بسامد دارد. کاربست واژه‌های عینی و حسی توأم با واژه‌های بومی مانند: «تیغ تمشک، بهار نارنج، چتربرگ، سیئه شلتوک، خوشه‌های شالی و...» در سروده‌های تعدادی از شاعران موجب شد تا واژه‌ها و زبان هویتی مادی به خود بگیرد و سبک شعر حسی شود زیرا واژه‌های عینی و حسی تصویر روشن و شفافی از موضوع، در ذهن مخاطب ارائه می‌کنند.

«خانه‌یی ندارم / تا / طنین و ترنم کفش / بر کاشیه‌های آبی آشپزخانه / بنشیند / ... خانه‌یی در مسیر کاشیه‌های سوخته / و علفی هرز سر از شکاف بر میدارد / و شیتایی میسوزد / در فاصله - ای دو آژیر و مطلق خاموش...» (دختران پرتقال چین، محمدی، ص: ۱۰۴)

«از خطه خوشه‌های شالی هستم / دلدادۀ ساده شمالی هستم / دلبسته کوچۀ بهار و نارنج / با خاطره‌های پرتقالی هستم» (خلوت مهتاب، پیروز، ص: ۶۲)

۴-۲- **واژه‌های ذهنی (انتزاعی)**؛ واژه‌های ذهنی و انتزاعی بر معانی و مفاهیم ذهنی دلالت دارند. تعداد شاعرانی که از واژه‌های ذهنی و انتزاعی سود می‌برند بیش از شاعرانی است که از واژه‌ها حسی بهره می‌برند. در ردیف شماره دو جدول هشت تن، چهل درصد از شاعران واژه‌هایشان ذهنی و انتزاعی است. غلبۀ واژه‌ها و ترکیب‌های ذهنی در شعر سبک سخن را ذهنی می‌کند در نتیجه جنبۀ تجسمی شعر را تقویت می‌کند. «واژه‌های ذهنی تیره - ترند چون تصویر روشنی از مدلول خود در ذهن خواننده حاضر نمی‌کنند» (سبک‌شناسی، فتوحی، ص: ۲۵۱) حضور واژه‌های انتزاعی ذهن را به کنکاش و جستجو وامیدارد تا مخاطب ارتباط میان دال و مدلول را کشف کند، این کشف به التذاذ ذهنی میانجامد.

«چند بهار بالغ / اشتیاق رویدن را / در تو بیدار میکند / تا کوکبۀ خیال / منظر زیباترین رنگ / در نگاه معصوم ماه / آبستن عقیق شود / وقتی هوای رمنده / در گونه‌های برگ / شکل پروانه‌های دیوانه / در آسمان سیاه / سفیر پنهان چشم / برای تماشاست» (پروانه‌های پراکنده، جعفری خورشیدی، ص: ۲۶)

نمونه فوق که (۳۲) واژه دارد، عمده واژه‌ها و ترکیب‌ها مانند «چند، بالغ، اشتیاق رویدن، بیدار، کوکبۀ خیال، منظر زیباترین رنگ، نگاه معصوم ماه، آبستن عقیق، هوای رمنده، گونه‌های برگ، سفیر پنهان چشم و تماشا» انتزاعی و ذهنی است. در نمونه زیر عمده واژه‌ها ذهنی است.

«این رویا آرامم نمی‌کند / برایم / حکایت عریانی از / ماندن و صبوری بیاور / حکایت عریانی از / سکوت و دانستگی / حکایت عریانی از / خموشی و شاعری / برایم سهمی از / ملاحظت و مهجوری / کنار بگذار / من به این زودیه‌ها / نخواهم مُرد» (گویا آفتاب برآمده، خبازی، ص: ۲۱)

۴-۳- **همپیوندی عینیت و ذهنیت؛** در ردیف شماره سه جدول هفت تن، سی و پنج درصد از شاعران در سروده‌های آنان انگارهای ذهنی موازی انگاره‌های عینی قرار دارد به همین روی فرم و محتوا در کنارهم در حرکتند. گاه لبه خودآگاه بر ناخودآگاه در لایه واژه‌ها نمود بیشتری دارد، گاه ناخودآگاه شاعر بر خودآگاه غلبه میکند.

«آوازهای تو/ هنوز زیباست/ وقتی به خاطره‌هایی زلال/ سفرمیکنی.../ از همه گیسوانت/ شبی میسازم/ به وسعت هزاره سکوت/ اینک/ عبور یاسها و یاسمنها» (گزیده شعر، معتقدی، ص: ۱۱۷)

«فصل فصل ازدحام دردهاست/ انقضای حال و روز مردهاست/ فصل فصل ریزش رنگ است و ماه/ طالع محتوم در رنگی سیاه/ فصل فصل شور شعری دیگر است/ نوبت افسونگری روشنگر است...» (دل کبودیهای پاییزی، بذرافشان، ص: ۵۷)

۴-۴- **واژه‌های عام؛** واژه‌های عام واژه‌هایی است که به اسامی همجنس و هم‌نوع خود دلالت میکند. در ردیف شماره چهار جدول چهارده شاعر، هفتاد درصد از واژه‌های عام سود می‌برند. این شاعران عمدتاً به موضوعات کلی، عمومی و اجتماعی می‌پردازند و مفاهیم را صریح و شفاف ابراز نمی‌کنند تصاویر شعر عموماً تیره یا خاکستری است. در این راستا شاعران از اسامی عام مانند درخت، باران، توفان، کویر، جنگل، دریا و... بهره می‌برند و این اسامی عمدتاً وجه نمادین پیدا میکنند. از طرفی شاعران با سودجویی از این مقوله قصد دارند اطلاعات کمتری در اختیار مخاطب قرار دهند و مخاطب را به تلاش ذهنی وادارند.

«رگهای تند سیلاب/ و ردیف سنگهای موازی/ آبیترین صدای ساکت دریا را/ روی فلس ماهیان جهنده/ زیر پرشهای نرم امواج/ منتشر میکند/ تب جزیره‌های مرجانی/ آرامش همیشه تن را/ با کرامت معصوم آنها/ روی تاج شبنم/ پیوند میزند...» (پروانه‌های پراکنده، جعفری خورشیدی، ص: ۷۲)

«زخم بی بارانیم تلخ است/ قصه ویرانیم تلخ است/ گریه بیروح من همچون/ خنده سیمانیم تلخ است/ در کویرستان بی‌فریاد/ ضجه توفانیم تلخ است/ ساکن جغرافیای دردم/ نقشه حیرانیم تلخ است» (آیش سبز، صابر، ص: ۲۴)

۴-۵- **واژه‌های خاص؛** اسم خاص اسمی است که به یک فرد یا یک چیز مخصوص و معین دلالت کند و نظیر آن نباشد. در ردیف شماره پنج جدول هفت شاعر، سی و پنج درصد از اسامی خاص سود می‌برند. چنانچه دوگروه شاعرانی که از اسامی عام و خاص سود بردند مقابل هم مقایسه کنیم، دقیقاً نیمی از شاعران از اسامی خاص بهره بردند. شاعرانی که از اسامی خاص استفاده میکنند، سبک شعرشان تصویریت و حسیت‌راست. این دسته از شاعران اطلاعات بیشتری درباره شکل، اندازه، مزه و رنگ پدیده‌ها به ما میدهند و به ادراک تصویر چنگ می‌اندازند و تصویر زنده‌تری ارائه میکنند (Modern).

(۲۴۹: Rhetoric, brooks & warren) اسامی خاص در شعر این شاعران عمدتاً؛ الف. اسامی پیامبران مانند: موسی، عیسی، آدم، مسیح ب. اسامی شاعران و نویسندگان مانند: «بورخس، نرودا، حافظ پ. اسامی زنان در قرآن و اسطوره مانند: حوا، مریم، هاجر، تهمینه، سودابه، شیرین، عذرا ت. اسامی پهلوانان مانند: رستم، سیاوش ث. اسامی اسطوره‌های یونانی مانند: المپ، زئوس، ونوس، هملت ج. اسامی خاص حیوانات مانند: رخس، شب‌دیز و...» است.

«آوای سبز کلار ما را به کوه میخواند/ پوستینه پلنگ کیومرث؟ نه/ باید پر عقاب بپوشی/ و چون سیمرغ/ از قله‌های علم کوه جهان مردم را/ با چشمهای زیبا ببینی» (بازگشت به سرزمین مادری، عمادی، ص: ۵۰)

«نگاه کن!! دلتنگی مرا/ در نوستالژی باشکوه صدای «خولیو»/ و حسرت آخرین دیدار عشق/ که در آواز گرفته «دمیس روسس»/ میتراود» (در گستره‌ی خاکستری ابری، جوادیان کوتنایی، ص: ۲۷)

۴-۶- **واژه‌های بی‌نشان؛** واژه‌های بی‌نشان واژه‌های طبیعی و ساده است و به عنوان واژه‌های «هسته‌ای» در زبان محسوب میشوند. واژه‌های بی‌نشان، «واژه‌های خنثی، ساده، عادی و همگانی» است و از یک خانواده معنایی به شمار نمی‌آیند. این واژه‌ها در پاره‌ای از موارد به عنوان پایه‌ی واژه‌های نشاندار قرار می‌گیرند. در ردیف شماره‌ی شش جدول پانزده تن، هفتاد و پنج درصد از واژه‌های بی‌نشان بهره می‌برند. این گروه از شاعران مازندرانی با سود جویی از واژه‌های بی‌نشان معمولاً بدون صراحت بیان با کلی‌گویی و ابهام در راستای اهداف شاعرانگی خود گام بر میدارند.

«آن که بازگشت، همانی نیست که دور شده بود: / خانه‌هایی با بامهای ساده با او بود/ و اکنون با آپارتمانی شیک برگشته است...» (دوقدم مانده به خاکستر، نصری، ص: ۵۲)

«به احترام تو در باغ ایستاد درخت / شکوه رویش گله‌ها و سبزه زارانی» (سال‌های عاشقی، کرم‌دخت، ص: ۲۲)

۴-۷- **واژه‌های نشاندار؛** زبان‌شناسان واژه‌ها را به دو گروه نشاندار (Marked) و بی‌نشان (Un Marked) تقسیم نمودند. واژه‌های نشاندار از یک خانواده معنایی هستند. مانند: «خنده، تبسم، پوزخند، نیش‌خند، زهرخند، شکرخند و...» وجود معانی ضمنی و تداعیهای مثبت یا منفی در واژه‌های نشاندار سبب میشود که این واژه‌ها در بر دارنده دیدگاه و نگرش شخصی و تلقی ایدئولوژیک باشند (سبک‌شناسی، فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۶۴). از سوی دیگر میتوان گفت: «واژه‌های نشاندار متعلق به یک نظام فکری و اعتقادی خاص هستند، که در عین این که پویا، محرک و حامل بار احساسی و عاطفی ایدئولوژیک هستند، رویکرد خاص

شاعر را نیز نشان میدهند» (سبک‌شناسی لایه‌ای اشعار انقلابی و مذهبی طاهره صفار زاده، صرفی و ونارجی، ۱۳۹۴: ۱۷۰-۱۹۴). در ردیف شماره هفت جدول پنج شاعر، بیست و پنج درصد از واژه‌های نشاندار سود می‌برند که خیلی کمتر از شاعرانی هستند که از واژه‌های بینشان سود می‌برند.

«انگولکهای این ساعت کافی است / واین شهر دور ساعت می‌چرخد... / پوزخند روی فکتان / لی لی لی / ریخت امروز بگیری...» (گفتن نگین، مهدیان، ص: ۲۱-۲۵)
 «آسمان زار می‌زند امشب / سر به دیوار می‌زند امشب / ابر بر طبل رعد می‌کوبد / درد را جار می‌زند امشب...» (غزل‌هایی سپید مرا سروده‌اند، پیروز، ص: ۱۵)

۴-۸- واژه‌ها و ترکیب‌های عامیانه؛ واژه‌های عامیانه ظرفیت قابل توجهی در حجم، گستردگی و اندازه شعر دارند. در ردیف شماره هشت جدول نه شاعر، چهل پنج درصد از واژه‌های عامیانه بهره بردند. زبان این گروه از شاعران معمولاً گفتاری و محاوره‌ای است در مواردی که بخواهند از زبان افراد فرودست جامعه سخن می‌گویند و در این راستا تلاش می‌کنند از واژگان و اصطلاحاتی عامیانه و بازاری مانند: «جُل و پلاس جمع کردن، مَن و مَن کردن، پُک زدن، اینجوری، پلا نسبت، قربون و صدقه رفتن، ول کردن، داغون شدن و...» تمرکز کنند. تعبیر و واژه‌های عامیانه این گروه گاه طنزآمیز و شوخ‌گانه است و با شیوه و نوع به کارگیری این نوع واژگان میتوان به شخصیت، تیپ و ایدئولوژی شاعر دست یافت.

«...میچرخم قربون صدقه ندادنت / آنقدر اصلاً ولش کن / آنقدر باید خودم باشم...» (از هفتاد که بگذریم، بذرافشان، ص: ۳۷)

«اینجا یک تماشا خانه است / گوشه‌ای یک نفر موش میدواند / گوشه دیگر کسی با دهان پر حرف می‌زند / در آن سوی پنجره مردی که دهانش خالی‌ست / گربه‌ای را دَم حجله کشته‌است / و زن کفش‌هایش جفت شده / دامنش تا آنسوی شهر تاب برداشته‌است / حالا او مجسمه‌ای زیباست» (درختان صلح، الیکایی، ص: ۹۸)

۴-۹- واژه‌های فاخر؛ واژه‌های فاخر، واژه‌هایی است که از متانت و سنجیدگی خاصی برخوردار است و برخلاف واژه‌های عامیانه دیرتر کهنه و فرسوده و از گردونه زبان حذف میشود. در ردیف شماره نه جدول نه شاعر، چهل و پنج درصد از واژه‌های فاخر سود بردند. این گروه با کاربریست واژه‌های فاخر به شعر خود شکوه و اعتبار بخشیدند. واژه‌های فاخر در مقایسه با واژه‌های عامیانه و مردمی از ارزش اجتماعی بالایی برخوردار است و ترکیب‌سازی با این نوع واژه‌ها، معیار و میزان ویژه‌ای دارد به همین روی شاعران مازندرانی که از واژه‌های فاخر استفاده مینمایند معمولاً از حوزه واژه‌های ذهنی گسترده‌ای برخوردارند. تعدادی از این شاعران همراه واژه‌های فاخر گاه از واژه‌های کهن نیز سود می‌برند. این گروه از

شاعران معمولاً اهل مطالعه و پژوهش‌اند و لحن مطمئنی دارند که واژه‌های فاخر در سروده‌هایشان موجب فخامت و استواری شده‌است. جهت نمونه: «سفسطه، ثقبه، گُرده، بیتوته، ردا، نطع، ژرف، ترجمان، کنگره، کریوه، کاهنان، ژنده، محتضر، دشنه، زُهم و...» از نمونه‌های واژگان فاخر جلیل قیصری است. البته ناگفته نماند واژگان فاخر با واژگان کهن به نوعی همپوشانی دارند.

«درب‌گریز یکدلی/ حتی نمیتوان/ به این درخت/ رازی گفت/ که کلاغی/ برگزیده‌یش/ بیتوته کرده‌است» (از کنگه لو تا کومه‌های دور، قیصری، ص: ۱۵)

«از دره‌ای به دره دیگر پناه میجویم/ نیماور دلیر رویانی/ پادوسبان غرور و شجاعت و لبخند/ برام قله‌یی، از آذرخش نیزه میسازد» (باز گشت به سرزمین مادری، عمادی، ص: ۴۵)

۴-۱۰- واژه‌های رسمی رایج فارسی معیار؛ در بررسی سبک‌شناسی سروده‌های شاعران مازندران معلوم شد تعدادی از شاخصه‌ها نظیر «واژه‌های فاخر، کهن، عامیانه، بومی و اقلیمی، گفتاری، رمزگان (دینی، جنگ و اجتماعی) و...» چشمگیر نیست. به همین منظور برآن شدیم در محل این بحث واژه‌های شاعران مازندرانی از لونی دیگر نیز بررسی شود. واژه‌های رسمی رایج فارسی معیار وگویش تهرانی اساس و پایه‌ی شعر معاصر به حساب می‌آید و شاعران عمدتاً شاعرانگی و علایق خود را در آغاز با این واژه‌ها محک می‌زنند. در ردیف شماره ده جدول شانزده تن، هشتاد درصد از واژه‌های رسمی رایج فارسی معیار سود بردند.

«درحاشیه شب/اسب ابلق/ اولین شیون مرا شیهه کشید/ نامم نوشته شد/ در جشن گنجشک و سپیده‌دم/ شالیزار تا شالیزار/ خست ابر/ خشکسالی/ خفت و کار/ سینه برشته شلتوک بی‌شیر/ دایه‌دار شدم/ در سال درو کردن باد» (ترانه‌های تمشک و باران، محمدی، ص: ۶۰-۶۱)

«خانه‌ام در پشت پرچینه‌های دلتنگی نبود/ خاطرات سبز شالیزار این رنگی نبود» (لباس صورتی‌ات برگل بهار سر است، احمدی، ص: ۶۷)

۴-۱۱- واژه‌های گفتاری فارسی معیار؛ یکی از شیوه‌های رایج در شعر معاصر ایران سودجویی از واژه‌های گفتاری فارسی معیار است. این دست از واژه‌ها «در تصویریت‌ترین شکل خود، مغلوب و مجذوب لحنی محاوره‌ای است و به رغم استفاده از طنین گفتار روزمره، به نحو ماهرانه‌ای از سادگی و «آسان»ی غیرشعری آن فاصله می‌گیرد» (سه دهه شاعران حرفه‌ای، باباچاهی، ۱۳۸۱: ۱۶). از آنجا که شاعران گفتارگوی مازندران از بدنه‌ی اصلی شعر معاصر جدا نیستند. در ردیف شماره یازده جدول چهارتن، بیست درصد از شاعران مازندران از این شیوه بهره‌بردند.

«الهی گوربه گور شن / جنگل مون رو کشتن / ویلاهاشون طاق و جفت / دارن نفس گیر میشن / پل میزنن تا برن / کوهمونو بدزدن ...» (به رنگ نارنگی، بهرام‌پرور، ص: ۱۰۸)

«شاعری ساده‌ام / چپ و راستم را گچ و ذغال تعیین می‌کنن / مسائل سیاسی به درکم قد نمی‌دهن / نمی‌دونم سیاست‌ها از زیرمیز می‌چرخن / زیرکی آن را ندارم، بفهمم» (پدیده‌های صبور، الیکایی، ص: ۵۲)

۴-۱۲- **کهن‌گرایی (ارکائیسم)**؛ کهن‌گرایی کاربرد واژه‌های کهن و تاریخ‌مند در زبان و بیان شعر و نثر امروزی است. ساموئل جانسون منتقد انگلیسی می‌گوید؛ واژه کهن به سبک شکوه و فخامت می‌بخشد و کوئین تیلیان (۱۰۰-۳۵م) دانشمند بلاغی رُم باستان در کتاب نهاد سخن‌وری (Institutio Oratoria) فصل ششم مینویسد؛ واژه‌های کهن نه تنها لذت‌پشتوانه نویسندگان برجسته را به همراه دارد، بلکه به سبک عظمت خاص و جادویی می‌بخشد. تعدادی از شاعران مازندران به موجب علاقه و اقبال در خلق آثار پژوهشی در فرهنگ ایران و ایدئولوژی وطن‌گرایانه از این واژه‌ها سود بردند. این گروه خود را ملزم به پاسداشت فرهنگ، هویت و ملیت ایرانی میدانند و با کاربری واژه‌های کهن به برجسته‌سازی سطح زبانی شعر پرداختند تا از این طریق انتقال مفاهیم فرهنگی را تسهیل‌بخشند. در ردیف شماره دوازده جدول پنج‌تن، بیست و پنج شاعر از این راهبرد بهره‌بردند. «فر، فرخنده، داد، اباختر، خدای‌نامک، تیشتر، مهر، پادوسبان، پوستینه، پریشیده، گرد، پرهیب، استاک، ایزد بانو، سپندآناهید و...» از واژه‌های کهن و تاریخ‌مند این تعداد از شاعران مازندران است.

«در شهید شعر و شراب و شادی / در سایه‌ی حماسه داد و / «خدای‌نامک» فرخنده / و «فر» بازتابنده فرهنگ / آن فرزانه / فردوسی» (درگستر خاکستری ابری، کوتنایی، ص: ۵۹)

«حرف‌هایش / به دشنه پهلوی میزد / نگاهش / به بیگانگی آتش / مرا اما به مهر میبرد / دشت دشنه شد پهلوی / نه نوشدارو به کار آمد / نه گریه پیرانه / نه افراسیاب نه کاووس کی / آیین ایل ماست پسرکشان / نشناختی بهانه است» (من و جهان دریک پیراهن، قیصری، ص: ۲۰-۲۱)

۴-۱۳- **واژه‌های غیر فارسی (انگلیسی)**؛ در ردیف شماره سیزده جدول چهار تن، بیست درصد در جای جای سروده‌هایشان از واژه‌های غیرفارسی (انگلیسی) بهره‌بردند. این دسته از شاعران عمدتاً مدت زیادی در خارج از ایران بسر بردند در نتیجه نه تنها فرم و ساختمان سروده‌هایشان متأثر از شعر غربی است بلکه بسامد واژگان انگلیسی گاه با املائی لاتین نیز چشمگیر است. کاربری اسامی بیگانه به نوعی میتواند تعامل و تبادل فرهنگی باشد و از طرفی این گروه قصد دارند از حیث فرم، نوآوری داشته باشند. «استفاده از این واژه‌ها در شعر نمادی از نگرش انسان شرقی به فراسوی مرزهای کشورش است، زیرا

فرهنگ اصیل و ریشه‌ای شاعر هرچه هست، در آمیزش و ارتباط با دیگر فرهنگ‌ها نقصان نمیپذیرد، بلکه گسترش مییابد» (سبک‌شناسی لایه‌ای اشعار انقلابی و مذهبی طاهره صفار زاده، صرفی و ونارجی، ص: ۱۹۴-۱۷۰)

«لری آهنگ *it is impossible* را میخواند/ و مرا به قهوه‌ی آشتی دعوت میکند.../ و با دهن کجی شعار میدهد: *America.love it leaveid* / و روی تی‌شرت زرد رنگم میخواند: *Good night.america*» (از گلوی سرخ سهراب، سلیمانی، ص: ۱۲-۸)

«من با خود خودِ نرودا شام میخورم/ با بورخس عزیز، رفیقان فابریک» (عطر تند نارنج، بهرام‌پرور، ص: ۵۴)

۴-۱۴- واژه‌های متضاد و ترکیب‌های پارادوکسیکال؛ در ردیف شماره چهارده جدول دوازده شاعر، شصت درصد از این تمهید زبانی سود بردند. ترکیب‌های پارادوکسیکال وجه زبانی بلاغی دارند. وقتی احسان مهدیان، عنوان مجموعه شعرش را «گفتن نگین» مینهد یا از ترکیب‌هایی نظیر «عقیم زایدن، فکر تابیدن از سرم غروب نکرد، لنگه کفشی که لنگه ندارد، قاطری که این اسب زاییده از من است و...» سود میبرد، نخست وجه زبانی آن به ذهن می‌آید. این خصیصه را «در شعر سنایی میتوان سراغ گرفت و در شعر مولانا ادامه یافته‌است در شعر دوره صفویه رواج عام مییابد و از ویژگی عمومی شعر سبک هندی میشود. گسترده‌ترین شکل کاربرد آن را باید در شعر بیدل و اقمار او دید» (طرز تازه، حسن پور آلاشتی، ص: ۸۳). بعضی از ترکیب‌های متضاد و پارادوکسیکال سروده‌های شاعران مازندران از سنت ادب فارسی و شعر معاصر نمونه برداری شده‌است اما تعدادی زیادی بر ساخته ذهن و زبان آنان است که گاه با چاشنی طنز همراه است.

«...پیراهن عاشق پشت و رو ندارد/ تا گاوشان عقیم بزاید/ توی نفس‌های خلوت این پلاک...» (گفتن نگین، مهدیان، ص: ۶۶)

«دکترها مریض‌هایی هستند/ که از عهده درمانشان خارج است...» (همان، ص: ۳۴)

«کجای متن جهان میدوید با عجله/ زمین بجای خودش ساکن است و ساکن نیست.../ و تازه اینکه زنی تازه پا به ماه گذاشت/ و چندین شکم ماه درد مزمن نیست...» (از هفتاد که بگذریم، بذرافشان، ص: ۲۰)

۴-۱۵- واژه‌های بومی و اقلیمی؛ شاعران مازندرانی به بوم و اقلیم در سروده‌های خود توجه ویژه دارند. واژه‌های بومی و واژه‌های اقلیمی به نوعی همسویی و همپوشانی دارند، به موجب آمیختگی واژه‌های اقلیمی با واژه‌های بومی در سروده‌های شاعران مازندران این مقوله ذیل یک عنوان بررسی شده‌است. برابر جدول در ردیف شماره پازده دوازده تن، شصت درصد به این واژه‌ها دلبسته‌اند. چون تعداد کثیری از شاعران فرزندان روستا و کوهستان هستند و با سنگ، صخره، دشت، درخت، گیاه، حیوانات و پرندگان بومی

ممارستی دیرپا دارند. انواع وحوش و حیوانات و پرندگان خانگی و وحشی را نه در فیلم‌های مستند بلکه از نزدیک دیده‌اند. این همزیستی به جان سخنانشان راه یافته‌است و گاه نیز همذات پنداری بنیادین و اشتراک معنایی را برمی‌انگیزد. شاخصه‌های بومی و اقلیمی که معمولاً بن‌مایه‌های اجتماعی فرهنگی دارند معمولاً اسامی پرندگان، جانوران، شغل‌ها، اشیاء، گیاهان، درختان، نواهای محلی، وسایل کشاورزی و مکان‌هاست. مانند: «کاکلی»^۱، پاپلی^۲، دَس‌برار^۳، استنگاه^۴، گالش^۵، تیمه جار^۶، بینجه‌گر^۷، کرس^۸، نپار^۹، تار^{۱۰}، داروگ^{۱۱}، ترش تلی^{۱۲}، گزنه^{۱۳}، یخو^{۱۴} و...».

«بعد از تو» کاکلی/ها/ خواندند/ عاشقانه لب بام/ بعد از تو، «پاپلی»/ها/ پرواز را به خاطر آوردند/ بعد از تو/ در صدای چوپان/ اشک از دو چشم «لیلی جان»^{۱۵} آمده/ ... بعد از تو/ بالا کشیده‌شد/ سوی فانوس/ بردست «دَس‌برار»...» (دیوارخانه‌های بارانی، مهجوریان، ص: ۴۲)

«تار/ سربند/ پاره‌های پریشان جنگل/ جشن پاپلی/ داروگ تنها/ نشئه قارچ/ بوی مست باران/ زنان هیزم شکن/ تیغ ترش تلی/ ستیر گزنه.../ موج مقاوم یخو.../ مینشیند البرز/ آن یار باستانی/ درنگاه سنگی سنگده» (آوازهای ایرانی، سلیمانی، ص: ۹۶)

۴-۱۶- رنگواژه‌ها؛ یکی از شاخصه‌های سبک‌ساز در شعر، رنگواژه‌هاست. از نگره ساختمان دستوری «بنفش، زرد، سبز، سفید، سیاه، قرمز یا سرخ» رنگواژه‌های اصلی و «آبی، خاکستری، دودی، صورتی، قهوه‌یی و نارنجی» رنگواژه‌های اشتقاقی محسوب میشوند. به جز این اصطلاحات دو واژه «کم و پر» نیز هست که رنگواژه‌ها را با آن توصیف میکنند، مانند: «

۱- kakooil (نام پرندۀ کوچک اندازۀ گنجشک)

۲- papeli (پروانه)

۳- dassberar (کسی که برادر نیست ولی هنگام تنگنا مدد کار است)

۴- estangah (محل توقف رَمه گاو و گوسفند)

۵- galesh (گاودار)

۶- timejar (خزانه برنج)

۷- binjegar (برنجکار)

۸- keres (محل نگه داری گوسفندان)

۹- nepar (سایبان چوبی در شالیزار)

۱۰- Telar (نام روخانه‌ای که از قائم شهر می‌گذرد)

۱۱- darvag (غورباقه‌ی درختی)

۱۲- rshe tali (خار درخت آلوچه ترش)

۱۳- gazene (نام گیاه وحشی با خارهای ریز)

۱۴- yakhoo (آب سرد)

۱۵- lailijan (آواز بومی با دوبیتی‌های عاشقانه)

زردکم رنگ یا آبی پُرننگ» (دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی، ماهوتیان، ص: ۳۴۱). برابر جدول در ردیف شماره شازده نه تن، چهل و پنج درصد از این راهبرد سبکی بهره بردند. هریک از رنگ‌ها درسروده‌های تعدادی این از شاعران دارای مفاهیم شناخته شده‌است و در بافت شعر چهره‌ای نمادین گرفته‌است. رنگ‌ها نشانه تفکر خاص شاعر نسبت به حوادث و رخدادهاست. در سروده‌های این گروه به ترتیب رنگ سبز، آبی، سرخ و سفید بسامد دارند. شاعران مازندران فرزندان دشت و کوه و جنگل هستند و به هرطرف بنگرند اطرافشان را سبزینه و گیاه انباشته‌است به همین روی بسامد سبز بالاتر از دیگر رنگ‌هاست. ازجهتی سبز نماد آرامش، به معنای آزادی و رهایی و نشانه زندگی است و حس آبادانی را برای شاعران مازندران تداعی میکند. به موجب دلبستگی شاعران به رنگواژه‌ها تعدادی از شاعران بخشی ازعنوان دفترهای شعر خود را رنگواژه انتخاب کردند. مانند: «از آسمان سبز» از سلمان هراتی، «سبز و سپیدو سرخ»، «از گلوی سرخ سهراب» و «سروده‌های آبی» از فرامرز سلیمانی، «آبی ناگهان» از منصور خورشیدی، «درگستره‌ی خاکستری ابری و بوی آبی رویا» از محمودجوادیان کوتنایی، «به رنگ نارنگی و قلب پرتقال خونی» از سیامک بهرام پرور، «آیش سبز» از فرهاد صابر، «لباس صورتی‌ات برگل بهار سراسر» از محمود احمدی و تنی چند دیگر.

«با توام اما دلم خاکستری است/ گرتۀ آب و گلم خاکستری است/ چون درختی گرچه سبز و روشنم/ خوشه‌های حاصلم خاکستری است» (آواهایی برای آفتاب، صابر، ص: ۱۱)

«من کلافهای الوان/ نیلی و آبی، سفید و زرد/ به شما هدیه میدهم/ ترازتن‌پوشی بدوزید/ در برهنگی جشن کلاغ/ می‌خواهم قوس و قزح بخوانم» (ترانه‌های تمشک و باران، محمدی، ص: ۱۰۱)

۴-۱۷- **موتیف:** موتیف عبارت است از یک فکر، موضوع یا درونمایی که در قالب کلمات و عبارات، تصاویرخیال، اشخاص، اعمال، مکان‌ها و... درون یک اثرهنری نمود پیدا میکند. تکرار این عنصر یا الگوی معین تاثیر مسلط اثرهنری را بوجود می‌آورد (فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، ص: ۳۸۶). مسأله موتیف درسبک‌شناسی اهمیت بسزایی دارد زیرا بهروری شاعر از موتیف مبین حساسیت ذهنی نسبت به یک موضوع یا پدیده خاصی است و به اتکای آن به ایدئولوژی شاعر میتوان دست یافت. برخی از بن‌مایه‌ها در سنت ادب فارسی گذشته و معاصر سابقه دارد و برخی دیگر نیز برساخته ذهن خلاق شاعران مازندران است. ردیف شماره هفده جدول هجده تن، نود درصد درونمایه سروده‌های شاعران مازندران در قالب کلمات و عبارات بسامد یافته‌است. برجسته‌ترین موتیف‌ها عبارت است از: عناصر و پدیده‌های طبیعی (آب، باد، باران، رود، ابر، جنگل، درخت، کوه، دریا، خورشید)، اسامی حیوانات (پروانه، ببر، آهو و اسب)، آیین، خیال، عشق و مرگ.

«با تمام جنگل و دریا تبانی میکنم/ عاقبت چشم تورا مازندرانی میکنم» (دوربودن به ما نمی‌آید، احمدی، ص: ۲۳۹)

«پشت همه خاطره‌های دوری/ صدای تو هنوز ایستاده‌است/ در غرفه‌های عشق نیز تمام این باران/ از چشمان تو/ شاید که عبور می‌کند» (گزینه اشعار، معتقدی، ص: ۵۶)

۴-۱۸- واژه‌های غیربهداشتی (غیراخلاقی)؛ واژه‌های غیربهداشتی (غیراخلاقی) از دیگر موضوع‌هایی است که در سنت ادب فارسی گذشته سابقه داشته و در شعرمعاصر بخصوص در شعرهای نسیم‌شمال و ایرج‌میرزا نیز نمود یافته‌است. واژه‌های غیربهداشتی (غیراخلاقی) از نظرگاه عرف و اخلاق، نزد اغلب مردم پسندیده نیست. برابر جدول در ردیف شماره هجده برخی از شاعران مازندران چهار تن، بیست درصد آن را به‌کاربردند. این راهبرد معمولاً در شعرهای گفتاری با ترکیبی از واژه‌های عامیانه برای حسی نمودن ایده یا فکری استفاده میشود. مانند: «احمق، خر، عُق، جردادن، چمپاتمه، جفتک زدن، شاشیدن و ...»

«یکشنبه یعنی دهن باز کن موقور بیا/ دهن باز کردم که چه میکند این «عُش»/... این زبان که در کاغذ افتاده از من نیست/ من خرم!/ بخشید/... دیگر استخوان بترکان که پیری جلد صورت را جرداد...» (نفس گیر، مهدیان، ص: ۱۲)

«... شیونی صدای شیونی صدا صدا/ به شیونی شاشوم شب پره بوسه/ و گز گزیدن تو لبشوم چنگ/ و شب دگر شب نیم شب شاشوم/ قی لیلی لبریز زرنیز قیقاج/ تبسمی زکراحت نق جالیز پدر/ و مرده باد» (این کتاب اسم ندارد، خبازی، ص: ۱۱۳).

۴-۱۹- واژه‌های ابداعی و ترکیب‌های نو؛ واژه‌های ابداعی و ترکیب‌های نو مبین قوت شاعرانگی و میزان خلاقیت شاعر است. در در ردیف شماره نوزده جدول هجده تن، نود درصد از این تمهید زبانی بلاغی سود بردند. در این جستار نویسندگان ترکیب‌های دستوری و بلاغی را نیز به عنوان واژه‌های ابداعی و ترکیب‌های نو در نظر گرفته‌اند. عمده-ترین تکنیک شاعران مازندران در خلق سازه‌های ترکیبی عبارت است از: ۱. ترکیب اسم با پسوند و پیشوند مانند؛ زهوار، فقرآگین، فاصله زار، ساقه‌سار، سوگبار، تماشاییان، فروریز. ۲. ترکیب اسم با بن فعل مانند؛ نانپوی، سم‌کوب، پازن، شروه‌پوش. ۳. ترکیب اسم یا صفت با اسم؛ غمبارش، نمبارش، پایزا، بُز دشنه. ۴. اضافه‌های تشبیهی مانند؛ غراب غروب، امیرکودکی کوه. ۵. اضافه‌های استعاری مانند؛ مصیبت معصوم، التهاب هوش، تجلی طی، گیسوی جنون، رقص فاصله، سفسطه سراب. البته شاعران علاوه بر ترکیب‌های مذکور در خلق ترکیب‌های حس‌آمیزانه نیز تلاش کردند. مانند؛ «لبخندگرم، انبساط سبز، رویای آبی، سرگردانی تلخ».

«غروب/ که فرو میریزد زانوان و/ غمبارشی‌ست بر لحظه‌های بی‌دوش، لحظه‌های بی- فردا/ کسی صدایم میزند/ از آستانه غارهای ازلی/ که ای من بی من/ عطش نوش سراب فاصله‌ها/ آسمان را به سفسطه نگاه میازار...» (از کنگه لو تا کومه‌های دور، قیصری، ص: ۳)

«گریه بی روح من همچون/ خنده‌ی سیمانییم تلخ است/ در کویرستان بی فریاد/ ضجه‌ی توفانییم تلخ است/ ساکن جغرافیای دردم/ نقشه‌ی حیرانییم تلخ است» (آیش سبز، صابر، ص: ۲۴)

۴-۲۰- رمزها؛ بخشی از سرشت یک سبک را رمزها تشکیل می‌دهد. رمز از اصطلاحات اصلی نشانه‌شناسی است و سبک‌شناسان تلاش می‌کنند تعدادی از مقوله‌ها را در بررسی واژه با این راهبرد تحلیل و تبیین کنند. هر رمز محمل پیام و متعلق به فرهنگ و ایدئولوژی خاصی است به همین منظور آگاهی و شناخت از رمزها دریافت و تفسیر متون را تسهیل مینماید. زبان بزرگترین و پیچیده‌ترین رمزها است، زیرا همه رمزهای دیگر از جمله رمزهای آداب، پوشاک، غذا، رفتار، اطوار و اشارات، نظام حرکتی و غیره بواسطه زبان قابل توصیف است (ساخت گرابی پسا ساخت گرابی و مطالعات ادبی، سجودی، ص: ۱۵۰) در پژوهش حاضر به موجب میزان دل‌بستگی شاعران و بسامد در شعر، سه نوع رمز دینی، جنگ و غنایی که در طبقه بندی نشانه‌شناسان تحت عنوان رمزهای اجتماعی ارائه گردیده، تحلیل شده است.

۴-۲۰-۱- رمزهای دینی؛ در ردیف شماره بیست جدول، هفت شاعر، سی و پنج درصد رمزهای دینی به کار برده‌اند. فراوانی رمزهای دینی در سروده‌های این گروه حکایت از آن دارد که اینان عمدتاً شاعرانی ایدئولوژیک، متعهد، آرمانگرا هستند. این شاعران با جزء انگاریهای عاطفی، گویای انقلاب، شهید و شهادتند و شعرشان سرشار از مضامین دینی- مذهبی خاص فرهنگ شیعه است. به همین روی در سروده‌هایشان واژه‌هایی نظیر «مدح و منقبت پیامبر، حضرت علی(ع)، حضرت مهدی(ع)، امام خمینی(ره)، شهید رجایی، شهدای جنگ، شهدای محله، حضرت امام حسین(ع)، حضرت ابوالفضل(ع)، حضرت زینب(س)، حضرت رقیه(س)، خیمه‌گاه شهدای کربلا، مسجد، منبر، تسبیح، خدا، آیات قرآن و...» بسامد دارد.

«خیمه‌ها او را به یاد آب و التهاب میاندازد/ و بلا تکلیفی رقیه(ع) را تداعی میکند/ خیمه یعنی آفتاب را کشتند/ خیمه یعنی خاک داریم و خانه نداریم...» (از آسمان سبز، هراتی، ص: ۱۰۲)

«بغضی شکست: جوان بود، بگو لاله الاالله»/ به روی دست... جوان بود!... «بگو لاله الاالله» (قلب پرتقال خونی، بهرام‌پرور، ص: ۵۵)

۴-۲۰-۲- **رمزهای جنگی**؛ ردیف شماره بیست و یک جدول چهار شاعر، بیست درصد از رمزهای جنگی سود بردند. این گروه از شاعران، سالها در جنگ تحمیلی ایران و عراق مقابل دشمن به نبرد برخاستند و سروده‌هایشان خاطرات جبهه و جنگ را تداعی میکند. البته بسامد و تنوع واژگان جنگ در هر یک از مجموعه‌های شاعران متفاوت است، در پاره-یی از سروده‌ها رمزهای جبهه و جنگ از گونه‌های مسلط است در برخی دیگر اینگونه نیست. رمزهای جنگی عمدتاً اصطلاحات جنگی، مکانهای جنگی، ابزار آلات جنگی، وسایل شخصی در جبهه و... است. مانند «سومار، شوش، اروند، پیکار، سربند، چغیه، پلاک، کفش کتانی، ساک، خاکریز، معبر، جنگ، دیدبان، سیم خاردار، دیوار صوتی، حاشیه اروند، قمقمه، تفنگ، باروت، خشاب، انفجار، موشک، رژه، سنگر، کمین، عملیات، آتش بس، شیمیایی، موج گرفتگی و...»

«چشمهایی که روی خاکریز/ هنوز دیده بانند/ دستهایی که معبر میزنند/ اشکهای انتظار.../ آروند میخشد/ طلایه به خاک سیاه نمیآرد/ این رخت/ بر قامت مرد سنگین است/ و قمقمه‌هایی هنوز/ روی پلاک شکسته/ ترک بر میدارد...» (گفتن نگین، مهدیان، ص: ۵۴)

«کاش شبنم به رنگ جبهه میشد/ آن لحظات ساده پلاکی/ مادر ببقار کاسه آب/ کفش کتانی و قطار و ساکی» (غزلهایی سپید مرا سروده‌اند، پیروز، ص: ۸۹)

۴-۲۰-۳- **رمزهای غنایی**؛ ردیف شماره بیست و دو جدول یازده شاعر، پنجاه و پنج درصد از این رمز بهره بردند. تعداد زیادی از شاعران مازندران حتی عنوان‌های دفترهای شعرشان را به این دست از رمزها اختصاص دادند. نظیر: «زیباست با تو خواندن و برای عاشق شدن همیشه دیراست» از اسد الله عمادی، «لیلیاها در نیایش باران» از احسان مهدیان، «وقتی کنارم تو باشی و خاطرات تو و دلتنگی» از بهمن نشاطی، «عشق همچنان میتازد، پاره‌های عاشقی و گاهی به رنگ خاطره‌هایت: عاشقانه‌های کوتاه» از محمود معتقدی، «سال‌های عاشقی» از شعبان کرمدخت و... «حزب عاشقی، اقلیم عشق، چغیه عشق، سروسهی بالا، شب دلتنگ وداع، چشم شریف، گیسو کمند، لب لعل، وصال و هجران، زلف پریشان و...» از نمونه‌های رمزهای غنایی در سروده‌های شاعران است. «آنکحْتُ...عشق را و تمام بهار را/ زَوَجْتُ سِيب را و درخت انار را/ یک جلد...آیه آیه قرآن! تو سوره‌ای/ چشمت قیامت است! بخوان انقطاع را» (عطر تند نارنج، بهرام‌پرور، ص: ۱۰)

«چه شود با لب لعلت کنی مهمان ما را/ یا شبی وصل دهی با لب خندان ما را / نتوانم ز کمند تو رهایی یابم/ داد برباد فنا زلف پریشان ما را...» (دیوان شعر، بزرگی نوشهری، ص: ۴۶)

یافته‌ها و نتایج

یافته‌های این پژوهش با توجه به تحلیل داده‌های آماری نشان می‌دهد که مهمترین مولفه سبک ساز که سبب برجستگی سبکی واژه‌ها در سروده‌های شاعران مازندران شده است، شامل واژه‌های بی‌نشان، رسمی رایج فارسی معیار، عام، ذهنی، ابداعی، موتیف، بومی و اقلیمی، متضاد و پارادوکسیکال، رمزهای غنایی است. برخی از تمهیدات واژه‌ها در تقابل هم بررسی شدند که از این حیث واژه‌های رسمی رایج فارسی معیار با هشتاد درصد، بی‌نشان با هفتاد و پنج درصد، عام با هفتاد درصد و ذهنی با چهل درصد بیشترین تکرار داشتند. در این میان واژه‌های عامیانه و فاخر به جهت اینکه تعدادی از شاعران از این شاخص بهره نگرفتند هرکدام با چهل و پنج درصد فراوانی یکسانی داشتند. در جدول مورد بحث برخی از شاخصه‌های واژه‌ها مجزا بررسی شدند و شاعران مازندرانی از حیث کاربری این نوع واژه‌ها از حیث ابداعی با نود درصد، موتیف با نود درصد، بومی و اقلیمی با شصت درصد، متضاد و پارادوکسیکال با شصت درصد و رنگ واژه با چهل و پنج درصد توانستند توفیقاتی کسب کنند اما بسامد واژه‌های عینی، گفتاری، کهن، انگلیسی، نشاندار، غیربهداشتی (غیراخلاقی) چشمگیر نبود. در این راستا واژه‌های نشاندار از آن جهت که حامل معانی ضمنی و ارزشگذارانه است و در شخصی شدن سبک نقش دارد، در سروده‌ی تعدادی از شاعران بسامد نداشت. بخشی از تحلیل سبک‌شناسی، واژه‌های رمزی است. در این بخش سه نوع رمز دینی، جنگ و غنایی بررسی شده است که از این میان رمزهای غنایی با پنجاه و پنج درصد فراوانی بیشتری داشت.

منابع

- آبی ناگهان، جعفری خورشیدی، منصور (۱۳۹۳) تهران، ناشر: فصل پنجم.
- آخرین ایستگاه جهان، عمادی، اسدالله (۱۳۸۶) تهران: نشر اشاره.
- آشنای شالیزار (پژوهشی در زندگی و شعر سلمان)، خادمی کولایی، مهدی (۱۳۸۵) ساری، نشر: شلفین.
- آوازهایی برای آفتاب، صابر، فرهاد (۱۳۷۸)، تهران، نشر: ثالث.
- آواز ریشه‌ها، عمادی، اسدالله (۱۳۷۶) تهران: نشرغدير.
- آوازهای ایرانی، سلیمانی، فرامرز (۱۳۶۸) تهران، انتشارات: نگاه.
- آیش سبز، صابر، فرهاد (۱۳۷۲)، آمل، ناشر مولف.
- از آسمان سبز، هراتی، سلمان (۱۳۶۸) تهران، انتشارات: حوزه هنری.
- از کوچه‌های اسطوره، جوادیان کوتنایی، محمود (۱۳۸۷) تهران: نشر اشاره.
- از کنگه‌لو تا کومه‌های دور، قیصری، جلیل (۱۳۷۳) نوشهر، ناشر مولف.

- از هفتاد که بگذریم، بذرافشان، رجب (۱۳۸۲) تهران، انتشارات: پویند.
- از گلوی سرخ سهراب، سلیمانی، فرامرز (۱۳۷۰) امریکا، نیویورک: انتشارات: نور.
- از این حوالی بارانی، مهجوریان نماری، علی‌اکبر (۱۳۹۲) آمل، نشر: شمال پایدار.
- این کتاب اسم ندارد، خبازی، مهدی (۱۳۸۴) تهران، انتشارات: قصیده سرا.
- این همه دلتنگی، کرم‌دخت، شعبان (۱۳۸۰) بابل‌سر، نشر: روحین.
- بازگشت به سرزمین مادری، عمادی، اسدالله (۱۳۹۵) ساری، نشر: هاوژین.
- با یاسهای بعد ازما، مهجوریان نماری، علی‌اکبر (۱۳۹۶) مشهد، انتشارات: بوتیمار.
- برای عاشق شدن همیشه دیر است، عمادی، اسدالله (۱۳۹۳) ، ساری، نشر: شلفین.
- به رنگ نارنگی، بهرام پرور، سیامک (۱۳۹۴) تهران، انتشارات: نیم‌اثر.
- بوی آبی رویا، جوادیان کوتنایی، محمود جوادیان کوتنایی، محمود (۱۳۸۵) تهران، نشر: اشاره.
- پدیده‌های صبور، الیکایی، نرگس (۱۳۷۹) تهران ، نشر: طوس.
- پروانه‌های پراکنده، جعفری خورشیدی، منصور (۱۳۹۶) تهران، انتشارات: نگاه.
- پرنیان (دیوان کامل بزرگی) بزرگی نوشهری، بهمن (۱۳۸۸) تهران، انتشارات: شلاک.
- پولک‌های سفید، بذرافشان، رجب و جواد اکبری (۱۳۹۶) تهران، انتشارات: اردبیل.
- تاجیدن آفتاب گردان، الیکایی، نرگس (۱۳۹۳) تهران، نشر: عمران.
- ترانه‌های تمشک و باران، محمدی، تقی (۱۳۷۴) تهران، نشر: آریست.
- خلوت مهتاب، پیروز، غلامرضا (۱۳۸۸) تهران: نشر اسطوره.
- دری به خانه خورشید، هراتی، سلمان (۱۳۶۸) تهران، انتشارات: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- دل کبودیهای پاییزی، بذرافشان، رجب (۱۳۸۱) ساری، ناشر: مولف.
- درختان صلح، الیکایی، نرگس (۱۳۸۱) تهران، نشر: عمران.
- دختران پرتقال چین، محمدی، تقی (۱۳۷۷) تهران، نشر: آریست.
- در گستره خاکستری ابر، جوادیان کوتنایی (۱۳۹۶) ، محمود تهران، نشر: داستان.
- در همه بندرگاه‌ها از کشتی گمشده حرف بود، نصری، تیرداد (۱۳۹۳) تهران : سولار.
- دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی، ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۷۸) تهران: نشر مرکز.
- دو قدم مانده به خاکستر، نصری، تیرداد (۱۳۹۳) تهران : سولار.
- دوربودن به ما نمی‌آید، احمدی، محمود (۱۳۹۶) ناشر مولف.
- دومقاله، سلیمانی، فرامرز، (۱۳۶۶) دنیای سخن، شماره ۱۶-۱۵، دی و بهمن.
- دیار خانه‌های بارانی، مهجوریان نماری، علی‌اکبر (۱۳۸۸) ساری، انتشارات: شلفین.
- روش و متدولوژی روایتگری (شعر دهه هشتاد)، بذرافشان، رجب (۱۳۹۷) تهران: نشر سولار.
- رویاییها، سلیمانی، فرامرز (۱۳۶۸) تهران، انتشارات: دی.

- زیباست با تو خواندن، عمادی، اسدالله (۱۳۹۳) ساری، نشر: شلفین.
- چون عقربه‌یی جهان را به حرکت در می‌آورد، الیکایی، نرگس (۱۳۸۰) تهران، نشر: صدرا.
- ساخت‌گرایی، پس‌ساخت‌گرایی و مطالعات ادبی، سجودی، فرزانه (۱۳۸۳) مجموعه مقالات (گروه مترجمان)، تهران: نشر حوزه هنری.
- سالهای عاشقی، کرم‌دخت، شعبان (۱۳۸۷) بابل‌سر، نشر: روجین.
- سبزو سپید و سرخ، سلیمانی، فرامرز (۱۳۷۸) امریکا، نیویورک، انتشارات: موج.
- سبک‌شناسی لایه‌ای اشعار انقلابی و مذهبی طاهره صفارزاده (لایه آوایی و واژگانی)، صرّفی، محمدرضا و مژگان و نارجی (۱۳۹۴) نشریه علمی - پژوهشی ادبیات پایدار دانشکده ادبیات و علوم انسانی شهید باهنر کرمان، سال هفتم، شماره دوازدهم، صفحات ۱۷۰-۱۹۴.
- سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، فتوحی، محمود (۱۳۹۱) تهران، انتشارات: سخن.
- سبوی سخن، اصغری، ایرج (۱۳۹۰) تهران، نشر: رسانش.
- سجاده روی ماه بینداز، جعفری خورشیدی، منصور (۱۳۹۳) تهران، ناشر: نصیرا.
- سه دهه شاعران حرفه‌ای، باباچاهی، علی (۱۳۸۱) تهران، انتشارات: ویستار.
- سودای مکالمه، خنده، آزادی، باختین، میخائیل (۱۳۷۳). ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: شرکت فرهنگی هنری آرست.
- شب رویایبها، سلیمانی، فرامرز (۱۳۸۰) تهران، انتشارات: نیم نگاه.
- طرز تازه (سبک‌شناسی غزل سبک هندی)، حسن پور آلاشتی، حسین (۱۳۸۴) تهران، انتشارات: سخن.
- عطرتند نارنج، بهرام پرور، سیامک (۱۳۸۷) شیراز، انتشارات: داستان سرا.
- غزلهایی سپید مرا سروده‌اند، پیروز، غلامرضا (۱۳۹۰) تهران، نشر: دبیزش.
- فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، سیما (۱۳۹۰) تهران، انتشارات: مروارید، چاپ پنجم.
- فرهنگ سبک‌شناسی، نینا نورگارد و همکاران (۱۳۹۴) ترجمه احمد رضا جمکرانی و مسعود فرهمندفر، تهران، انتشارات: مروارید. - قلب پرتقال خونی، بهرام پرور، سیامک (۱۳۹۴) تهران، انتشارات: نیماژ.
- کش مکش، مهدیان، احسان (۱۳۹۴) تهران، انتشارات: نصیرا.
- کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس (۱۳۷۲) تهران، انتشارات: فردوس، ج اول.
- کوکویی بر شاخه ناپیدا، قیصری، جلیل (۱۳۹۳) تهران، نشر: سولار.
- گزاره‌های منفرد، بابا چاهی، علی (۱۳۷۷) تهران، انتشارات: نارنج.
- گزیده شعر امروز شمال، عمادی، اسدالله، هوشنگ عباسی و علیرضا ابن قاسم (۱۳۹۶) تهران، انتشارات: روز آمد.
- گزیده اشعار، معتقدی، محمود (۱۳۹۱) تهران، انتشارات: مروارید.
- گویا آفتاب برآمده، خبازی، مهدی (۱۳۷۸) تهران، انتشارات: پاسارگاد.
- گفتن نگوین، مهدیان، احسان (۱۳۸۲) ساری، ناشر مولف.

- لباس صورتی ات برگل بهار سراسر است، احمدی، محمود (۱۳۸۸) تهران، نشر: افراز.
- لیلاینها در نیایش باران، مهدیان، احسان (۱۳۹۲) ساری، انتشارات: شلفین.
- من و جهان در یک پیراهن، قیصری، جلیل (۱۳۸۰) تهران، نشر: نیم نگاه.
- نفس گیر مهدیان، احسان (۱۳۹۴)، تهران، انتشارات: مایا.
- هی تند نرو که راه بی پایان است، احمدی، محمود (۱۳۸۹) تهران، نشر: افراز.
- هنوز کو تا سپیدخوانی این برف، قیصری، جلیل (۱۳۹۳) تهران، نشر: ابتکار.
- واژگانی چشم به راه اضطرابند، پیروز، غلامرضا (۱۳۹۰) تهران، نشر: دبیزش.
- وسعت پرواز، بذرافشان، رجب (۱۳۷۹) تهران، انتشارات: فهیم.

منابع خارجی

Modern Rhetoric, Brooks, clean & Robert penn Warren.(۱۹۷۹). Usa.
New work: Harcourt Brace Jovanovich, inc.